بنوه رساند این کار بحضرت تو تفویض کردم تا سفیر کرام را بفرمای که این نعم با تمام رساند یک از قصیده که چنین بر دار
انشاء کرد بیتی گواست تبلغ عنی الهی برحمت رسولک تقاضی سلامی و تفضی بت بزرگوار خدایا بکرم بیک عنایت
که حضرت نبوی را سلام برساند و بعد از نقل چنین بدن مطهرش را بر دار کذاشتند جهل کافر را بر حفظ آن کماشتند
تا آمیده در روزه آن حال بشاهده نموده آواز هاتف از اکناف برند حضرت رسالت صلوات الله علیه از آن حال تو
باشد فرمود که آن کیست که چنین شهید را از دار فرود آرد و دست ضامن کرد او را در روضه رضوان مسکن معین و مقرر کرد
زبیر بن عوام و مقدار بن اسود این کار را قبول کرده بکنار رفتند و شب هنگام بزیر دار آمده پاسبانان را در خواب هستی
در عالم هیچ نیافتند پس آن جسم گرامی را از دار فرود گرفتند و با آنکه جهل روز از قتل و کذشته بود خون تازه از جراحت
او بچکید و نفحه مشک از آن میدمید زبیر او را بر اسب خود بار کرده باز گشتند کفار خبردار شده هشتاد سوار از عقب
دستاندند زبیر چون دید که لشکر رسید جنیب را بر زمین نهاد و فی الحال بزمین او را چون مادر مهربان در حم جای داده
از دیده دوست و دشمن نهان ساخت و جنیب بدین سبب بلیع الارض یعنی فرو برده بزمین لقب یافته و کافران
در کار بر حرفه دیده باز گشتند و حق سبحانه در شان آن دو یار که جان در معرض تلف نهاده بود آیه فرستاد که وَمِنَ
النَّاسِ از مردمان هست مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ کسی که میفروشد نفس خود را یعنی بذل میکند جان را ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ بطلب خوشنودی
خدای پس شرح رضای حق سبحانه نباشد شرای نفس ال و در راه خدای وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ و خدای مهربانست بر بندگان
خود که ایشان را تکلیف عبادت میکند تا شرف سعادت یابند جهبی مفسران گویند این آیه در شان صهیب بن سنان
رومی نازل شده و او از اکابر صحابه است عربی الاصل از قبیله نمر بن قاسط و در صغر سن بطریق غارت بدست رومیان
افتاده بود و در میان ایشان نشو و نما یافته بدین سبب برومی شهرت شد و او بمکه نشستی چون حضرت صلوات الله علیه
هجرت فرمود او را هوای خدمت آستانه نبوت بران داشت که پنهان از مشرکان هجرت کند و بسوی آنجناب شتابد
وی رفتند و در اثنای طریق بدو رسیده آغاز مقاربه نمود و صهیب پاره چند که در کیسه داشت پیش خود فرو ریخت
و گفت میدانید که من از مکه شما جان باز تر تیر انداز تر م تا تیری بدست هست پنجه تو ض شما بدهن عرض من نخواهد رسید
بر خم تیر مرگی از شما کسی برک خواهم ساخت و چون تیر نماند بشمشیر تیز اساس مقاتله خواهم انداخت و چون آن
نیز بشکند از تمام جسد عاجز کردم آنگاه تو انید بر من دست یافتن ایشان گفتند ما را دلالت کن بر مالی که در مکه نهان
داری و خود را ازین خواری و عجز و زاری باز خر صهیب مشرکان زاید ان مال نشان و رضای خدای دو بستی چنین و بیان
بخرید بت بزر و جمالش ارستوانی بخرید که جملت عین است و زیبع نیست هنوز صهیب بمدینه نارسیده و جبرئیل
این آیه فرود آورد و صورت هاجری با نشید الوری باز گفت چون صهیب بملازمت حضرت رسالت رسید خواجه عالم
از روی خاطر او را گفت طالب فرمود که ایا بیع رابح السبع سودای تو سودمند بود و بدین مبایعت سرمایه جنت

بهشت آورد ای پس آیه خواند درین تقریر شرعی یعنی نزدیک باشد یعنی مال جهاد و تصدق فرخ و از کفار ربا فرو دهند و خصم
آورده که آیه در باره ادم معروف و نامی سکلست که دل از جان بر دارد و کلمه الحق الفا نکند در حدیث آمده که افضل جهادی
آنست که کسی سخن حق با پادشاه جور بگوید و باز گوید و از راه باید خلوت کرد راه ها ریاست بسر منزل عدالت که طریق هدایت
دلالت نماید آورده اند که حجاج ابن یوسف بخدمت شیخ مستجاب الدعوه رفت گفت مرا وعا بفرمای که در پیش دست
نیاز بر کشاد و گرد کعبه جانشین نبی دوی بر دارد و شرار از سر ظلمان باز کن حجاج بر آشفت و گفت این چه دعاست که میکنی
درویش فرمود دعا خیر است ترا و جمله مسلمانان را بیت بچه کار آیدت جهانداری برهانت بر کردم آزاری
و در تفسیر ثعلبی و غیر آن آورده اند که این آیه فی علی علیه السلام وارد شده که در شب غار جان فدای سید ابرار کرده
بر بستر رش بخفت که در تفصیل این در سوره توبه چاپ بیان از ذکر اهل نفاق ایشان بخوبی و نفاق ایمان میفرماید میگوید
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای گمشدگان گرامیان آورده اید بظاهر ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ در آیید در اسلام كَافَّةً تمام بیکبار
و گفته خطاب با منافقانست که بر اسلام ثابت باشید و عدد و دو سهام آن رعایت کنید حذیفه بن الیمان فرمود
درین آیه فرمود که سهام اسلام هشت نماز و روزه و زکوة و حج و جهاد و عمره و امر معروف و نهی از منکر و هر یک سهمی
بنی بر دلست و اکثر مفسران بر آنند که خطاب ابن سلام و یاران او بیند که با اسلام تقرب فرمود و از مصاحبت زمره
یهود اجتناب نمینمود و با وجود اقامت شریعت محمدی صلوات الله علی اصحابه شرایع توراة را نیز از اضاعت صیانت
میکردند تعظیم و رشنبه فرو میگذاشتند و تناول شیر و گوشت شتر کرده و صید هشتاد مسلمانان را منصوبت نماز میفرمود
بود و ابن سلام میگفت توریة نیز کتاب خدا ایست و ما از کلام محرف یهود بیزار شده ایم آیه آمد که چون زبان باز
بنبوت چپ من میکشاید یکبارگی بدایره اسلام در آیند و اگر اسلم بفتح سین خوانند یعنی صلح باشد و مال مردم خوردن
نیکیست چه هر که مسلمان باشد با اهل اسلام در مقام صلحست تفسیری گفته که مومن باید که با همه کس صلح کند الا با نفس که
هر که با او صلح کرد از شرف مجاهده محروم ماند و بدین سبب بدولت مشاهده نرسد محققان گفته سلم رضا بقضاست
یا اتباع اوامر و اجتناب نواهی تسلیم لقضای ربانی کش و در حقایق قرآن گوید سلم موتست از صفات ذمیمه یا از هفت اقلیم
دنیا و آخرت و بعضی خطاب با اهل کتاب داشته اند که ایشان بعضی از کتب مومن بودند و بعضی کافر میگوید ای
از آنکه بتوراة و انجیل ایمان آورده اید بجمیع و قرآن بگروید تا بیکبارگی در اسلام و استسلام داخل شوید وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
و مروید در پی گامهای شیطان را که اقامت مراسم نفاق تا نزل خاطر او اسطه و سایه سخن یهود یا تابعت هفتاد فرقه
تا هفتاد و یهود و یه و نصرانیه إِنَّهُ لَكُمْ بدرستی که شیطان شما را عَدُوٌّ دشمنیست آشکار فَإِنْ زَلَلْتُمْ پس اگر لغزید
شما از راه و شرع و احکام قرآن مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ از پس آنکه بشما احکام حلال و حرام كَاتِبُ اللَّهِ پس بدانید
آنکه خدای عَزِيزٌ غالبست و عقوبة تواند کرد مخالفان دین را حَكِيمٌ حکیم کار است انتقام کشیدن از بی دین آیه

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)